

Knowledge of political interpretation
Vol 1, No 1, Autumn 2019
ppt 71-96

Received: 30, SEP, 2019
Accepted: 06, DEC, 2019

**Missile deterrence as a national security strategy of the
Islamic Republic of Iran**

Seyed Mohsen Sajjadi¹
Asghar Hatami²

Missile deterrence as a national security strategy of the Islamic Republic of Iran Seyed Mohsen Sajjadi Asghar Hatami Abstract Each country chooses different military and civilian confrontation strategies, depending on its threats. Efforts to contain deterrents and increase the country's military and defense capabilities are undoubtedly the most important pillars of the Islamic Republic of Iran's military strategy to counter threats. In other words, the other axes are based on deterrence, which is one of the most important parts of Iran's defense strategy. An attack on a country that has advanced missile technology is met with rapid and decisive responses from the country under attack. Therefore, in the event of an attack, there will be a large cost to the attacker country, and fear of missile attacks will be a permanent obstacle for the attacker country. Therefore, the development of missile capabilities is a necessity for the Islamic Republic of Iran. Accordingly, the Islamic Republic of Iran's main goal is to invest in the missile industry, to deter hostile states from military attack on Iran, and to increase the country's deterrence and defense factor. The following article seeks to investigate the fact that missile deterrence has become the main strategy of securing the Islamic Republic as a doctrine of defense and deterrence in the country and has achieved a deterrent in the form of missile capabilities

Key words: Deterrence, Missile Deterrence, Security, National Security, Islamic Republic of Iran

¹ Master of Peace, Security and Human Rights Diplomacy, School of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran sajadi.seyedmohsen@yahoo.com

² Faculty member of Amin Police Academy, Tehran, Iran asghar.hatami94@gmail.com

بازدارندگی موشکی به مثابه راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

سید محسن سجادی^۱

اصغر حاتمی^۲

چکیده

هر کشوری متناسب با تهدیدهای فراروی خود راهبردهای مقابله‌ای نظامی و غیرنظامی متفاوتی را انتخاب می‌نماید. تلاش برای بازدارندگی همه جانبه و افزایش توانمندی نظامی و دفاعی کشور، بدون شک مهمترین محورهای راهبرد نظامی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدهاست. به بیان دیگر، سایر محورها بر اساس بازدارندگی ساماندهی و اجرا می‌شوند که یکی از مهم ترین بخش‌های راهبرد دفاعی ایران به شمار می‌آید. حمله به کشوری که دارای فناوری موشک‌های پیشرفته است با پاسخ‌های سریع و قاطع کشوری که مورد حمله قرار گرفته، مواجه می‌شود. بنابراین در صورت حمله، هزینه‌های زیادی بر کشور مهاجم تحمیل خواهد شد و افزون بر آن ترس از حمله‌های موشکی مانعی همیشگی برای کشور مهاجم خواهد بود. بدین ترتیب توسعه ظرفیت‌های موشکی برای جمهوری اسلامی ایران امری ضروری به حساب می‌آید. بر این اساس، هدف اصلی جمهوری اسلامی ایران از سرمایه گذاری در صنعت موشکی، منصرف کردن کشورهای متخاصم از حمله ی نظامی به ایران و بالا بردن ضریب بازدارندگی و دفاعی کشور است. پژوهش پیش رو، به دنبال بررسی این موضوع است که بازدارندگی موشکی، راهبرد اصلی تامین امنیت جمهوری اسلامی و به مثابه دکترین دفاعی و بازدارندگی کشور بدل گردیده و در این زمینه توانسته است به یک بازدارندگی در قالب توان موشکی دست یابد.

واژه‌گان کلیدی: بازدارندگی، بازدارندگی موشکی، امنیت، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران.

^۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته دیپلماسی صلح و امنیت و حقوق بشر دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
sajadi.seyedmohsen@yahoo.com

^۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

مقدمه

به طور سنتی و در چهارچوب رهیافت واقع گرایی، امنیت ملی به صورت محدود، مضیق و تک بعدی تعریف می‌شود. در این برداشت، امنیت ملی عبارت است از فقدان تهدیدات نظامی علیه بقاء و دولت که بر حسب حاکمیت ملی و تمامیت ارضی تعریف می‌شود. لذا در این دیدگاه، یک کشور هنگامی امنیت دارد که برای اجتناب از جنگ مجبوره قربانی کردن ارزشهای خود نباشد و در صورت ورود به جنگ قادر به حفظ آنها باشد. در مقابل این رهیافت، رهیافتهای دیگر در عین وفاداری به هدف مرجع امنیت ملی در دیدگاه سنتی، تعریف موسع تر و جامع تری را از امنیت ملی ارائه می‌دهند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۸۷).

از سوی دیگر، در دنیای امروز، تأمین امنیت ملی در برابر تهدیدات خارجی، نمی‌تواند از دو صورت خارج باشد. یک کشور فرضی، یا باید همانند بسیاری از کشورهای منطقه با توسل به استراتژی اتحاد و ائتلاف با قدرت های بزرگ امنیت خود را تأمین کند، و راه دیگر اینکه با تکیه بر منابع ملی و خوداتکائی دفاعی، به تأمین امنیت خود بپردازد. برای کشوری همانند ایران، با توجه به پیام جهان شمول آن و ایدئولوژی انقلابی که مخالف وضع موجود جهانی است، راه نخست مقدور نیست. از دیگر سو، بیشتر کشورهای قدرتمند جهان در چهاردهه ی گذشته به مقابله با انقلاب اسلامی پرداخته اند.

در نتیجه بدیهی است که هیچ اتحاد استراتژیکی بین جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورها مقدور نیست چرا که، در دو طرف مسئله، اشتراک منافع وجود ندارد، بلکه تقابل منافع است. گرچه این تقابل برخی مواقع تحت تأثیر تاکتیک های موقت، فروکش می‌کند اما از منظر استراتژیکی، تقابل انقلاب اسلامی با غرب ذاتی است. از این رو تنها راه ممکن و عقلایی فراروی ایران و انقلاب اسلامی خوداتکائی در در اکثر موارد از جمله، زمینه ی دفاعی در قالب بازدارندگی دفاعی متعارف و بازدارندگی موشکی است.

بر این اساس در این گفتار ابتدا ضمن بررسی امنیت، امنیت ملی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و ارائه تعاریف موجود از آن، به تعریف و تحلیل بازدارندگی پرداخته و بازدارندگی به عنوان راهبرد جمهوری اسلامی ایران در قالب دفاع موشکی مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

امنیت

برداشت متفکران سیاسی از مفهوم امنیت، همواره با تحولات نظام جهانی، متحول و سیال بوده است. صرف نظر از این که در مورد مفهوم امنیت یک تعریف قابل قبول برای همگان وجود ندارد، تا جایی که به نظر برخی از پژوهشگران می‌توان گفت؛ هیچ تعریفی درباره امنیت وجود ندارد که در آن اتفاق نظر باشد و در واقع ماهیت امنیت با پذیرش یک تعریف جامع و مانع در تعارض است.

اما به هر روی، برای پیگیری بهتر پژوهش ناگزیر از ارائه تعریف و مشخص نمودن تعریف مد نظر پژوهش هستیم. از این منظر در ادامه به تعریف مفهوم امنیت، امنیت ملی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران اشاره می‌گردد.

الف) تعریف امنیت

در تعریف مفهوم امنیت تنوع بسیاری وجود دارد که از این منظر می‌توان این مفهوم را مفهومی توسعه نیافته و مبهم تلقی نمود اما این باعث نمی‌گردد که امنیت مهمترین الویت سیاست یک کشور نباشد. ب این اساس، شاید بتوان مفهوم امنیت را عدم ترس دولت‌ها از حمله نظامی، فشار سیاسی و تحریم اقتصادی دانست.

همان گونه که اشاره گردید، در مورد مفهوم امنیت اجماع و اتفاق نظری بین کارشناسان وجود ندارد اما در یک مورد اجماع وجود دارد و آن این است که در صحنه بین‌الملل کنونی امنیت صرفاً به معنای « فقدان تهدید » نیست که با تعریف اشاره شده در بالا در تعارض قرار می‌گیرد؛ بلکه مفهوم امنیت « چند بعدی » گردیده است و از امنیت زیست

محیطی و اقتصادی و اجتماعی گرفته تا تهدیدات نظامی، حملات تروریستی، تهدیدات دیجیتالی (تروریسم مجازی) و سلاح‌های انهدام انبوه را شامل می‌شود و به تبع تحولات بین‌المللی دستخوش تحول می‌شود و به عنوان یک متغیر مستقل در گفتمان‌های سیاسی جدید مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از سویی، مفهوم امنیت در مطالعات امنیتی در غالب رویکرد نظامی که اصطلاحاً نظام وستفالیایی نامیده می‌شود، اهمیت خود را از دست داده است و بیشتر در غالب مباحث امنیت اقتصادی، امنیت زیست محیطی، امنیت اجتماعی و توسعه انسانی دنبال می‌شود. اما این باعث نمی‌گردد که اهمیت امنیت نظامی کم انگاشته گردد، بلکه هنوز الویت اصلی برای کشورها امنیت نظامی است اما سایر مسائل نیز اهمیت خود را به سطح اهمیت امنیت نظامی رسانده‌اند و دولت‌ها باید ضمن توجه ویژه به امنیت نظامی، سایر ابعاد امنیتی را نیز مد نظر قرار دهند.

در مقابل، برخی پژوهشگران همچون ویور، بر این عقیده‌اند که امنیت هنگامی طرح می‌شود که رخدادها یا تحولاتی که به نحوی حاکمیت یا استقلال یک کشور و دولت را به شیوه‌ای بنیادی و سریع مورد تهدید قرار می‌هند، مطرح باشند و آن را از قابلیت و توانایی لازم جهت اداره و مدیریت مستقل خویش محروم کنند. تهدید امنیتی علاوه بر موارد پیش گفته، نظم سیاسی را هم به تحلیل می‌برد که باید با آن هم مقابله شود (وثوقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۸۰).

بر این اساس، پژوهش حاضر که به بررسی تأثیر یک نوع رژیم موشکی خاص می‌پردازد ناگزیر از در نظر گرفتن امنیت به مثابه امنیت نظامی نیست زیرا این رژیم تأثیرات دهشتناک خود بر امنیت ملی کشورها در ابعاد نظامی، فناوریانه و موشکی می‌گذارد که حتی ابعاد نام برده شده در علم سیاست زیر مجموعه سیاست اعلی یعنی امنیت نظامی قرار می‌گیرند. بنابراین امنیت در این پژوهش بر بعد نظامی استوار است اگرچه به فراخور موضوع سایر ابعاد آن ممکن است بررسی و مورد اشاره واقع گردد.

از سوی دیگر، می‌توان این استدلال را با ارائه تعریفی از تهدید تقویت بخشید که نشان می‌دهد تهدید و امنیت چون دو پادشاه در یک اقلیم‌اند و وجود یکی به معنای عدم و نیستی دیگری است: «تهدید عبارت است از عامل مخاطره آمیز نسبت به منافع یک بازیگر. به عبارت دیگر تهدید وقتی است که از سوی عاملی منافع عامل دیگر به مخاطره بیافتد. در بیانی دیگر تهدید به معنای هر چیزی که ثبات و امنیت یک کشور را به خطر اندازد، همچنین تهدید هر اقدام و تحرک بالقوه و احتمالی سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی که موجودیت و اهداف حیاتی فرد، نهاد یا کشوری را به خطر بیندازد، و نیز موانع و چالش‌هایی که ما را از رسیدن به هدف بازداشته و یا باعث کاهش سرعت ما در دستیابی به آن گردد اطلاق می‌گردد. به عبارت دیگر ساده‌ترین تعریف از تهدید، فقدان مفهوم دیگر، یعنی امنیت است. این وضعیت با به خطر افتادن ارزش‌ها و منافع حیاتی یک کشور به وجود می‌آید» (بیکی، ۱۳۸۹: ۱۳۱ و ۱۳۲).

بر این اساس، مفهوم امنیت در قالب تعریف تهدید و تهدید وجودی بهتر رخ‌نمایی می‌کند و به تعریف مناسب‌تری از مفهوم امنیت می‌توان دست یافت. از این منظر، تهدید وجودی^۱ عبارتست از هرگونه خطر و تهدید علیه امنیت، بقاء و موجودیت یک کشور. از سویی در برخی مکاتب امنیتی همچون کپنهاگ، برای مشخص کردن تهدیدات وجودی، علاوه بر تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها، دو عامل دیگر یعنی بقاء و هدف مرجع امنیت از اهمیت برخوردار می‌باشند (محمودی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳ و ۴).

از این رو، بوزان امنیت را برابر با رهایی از تهدید می‌داند و می‌گوید امنیت در نبود مساله دیگری به نام تهدید درک می‌شود. از نظر وی، امنیت به توان دولتها و جوامع جهت حفظ هویت مستقل و تمامیت عملی آن مربوط می‌شود (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۴: ۱۲۰).

^۱ Existential Threat

ب) امنیت ملی

مفهوم امنیت ملی نیز همچون مفهوم امنیت دارای ابهامات در تعریف است اما می‌توان مهمترین شاخصه آن را نیاز به حفظ استقلال و تمامیت ارضی و جلوگیری از مداخله بیگانگان در امور داخلی کشورها دانست. بر این اساس در درجه اول، امنیت ملی یک شور به معنای تأمین شرایطی است که که کشورها را از تعرض دیگران به استقلال سیاسی، ارزش‌های فرهنگی و رفاه اقتصادی دور نگه دارد و به برطرف کردن عوامل ترس و ناامنی که از اساسی‌ترین هدف‌های یک کشور است کمک کند (روشندل، ۱۳۷۴: ۱۸).

بدین ترتیب، امنیت ملی به معنای فقدان تهدیدات وجودی علیه دولت و در برگیرنده حکومت، سرزمین و جامعه یا ملت می‌باشد. به بیان دیگر، بقاء کشور و ارزش‌های جمعی در برابر تهدیدات وجودی را امنیت ملی می‌گویند. لذا، ارزشهای ملی صرفاً در حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خلاصه و محدود نمی‌شود بلکه ارزشهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی - اجتماعی، مذهبی و زیست محیطی را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین امنیت ملی ابعاد گوناگونی دارد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۹۲).

از لحاظ سلسله مراتب اهداف ملی، باید خاطر نشان کرد که آنچه از نظر همه دولت‌ها در درجه اول اهمیت قرار دارد و در شمار اهداف اصلی آنان به حساب می‌آید، تأمین امنیت ملی و بقاء خود می‌باشد. هر دولتی می‌کوشد تا امنیت ملی خود را تأمین کند و کشور خود را از هر نوع تهدید یا تعرض خارجی مصون بدارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۲۸۷).

با توجه به مفهوم امنیت بدیهی است که ملت زمانی از امنیت برخوردار است که تمامی نیازها و ارزش‌های حیاتی آن از خطر تهدیدهای مختلف و همه جانبه به طور نسبی، در امان باشد و ارتقای کمی و کیفی زندگی مردم نیز متناسب با نیاز زمان و روند تحولات جهانی، رشدی فزاینده داشته باشد. به عبارت دیگر مراد از امنیت ملی، ایمن و در امان بودن نسبی تمامی نیازها و ارزش‌های حیاتی مردم در برابر تهدیدها می‌باشد و بدیهی است که رسیدن

به توسعه ملی و افزایش ظرفیت‌های کشور متناسب با شرایط زمان در ابعاد علمی، فناورانه، صنعتی، سیاسی، اقتصادی و... در زیر چتر امنیت ملی محقق می‌گردد (تهامی، ۱۳۹۳: ۵).

بدون تردید برخورداری از امنیت ملی، مهم‌ترین نیاز کشورها برای رشد و توسعه به شمار می‌آید. در دنیای امروز دانش و فناوری پیشرفته، مهمترین مزیت رقابتی و عامل برتری کشورها می‌باشد که تقویت بنیه‌ی دفاعی کشور با استفاده از آخرین دستاوردهای علمی و فناوری پیشرفته از ملزومات آن است. بر این اساس، بنیه‌ی دفاعی مطمئن و کارآمد را می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان امنیت ملی نام برد (توفیقی، ۱۳۹۱: ۳) که با توجه به اهمیت قدرت نظامی و دستیابی به فناوری پیشرفته در امنیت ملی، بهتر می‌توان نسبت به درک تأثیر مهم و اساسی رژیم کنترل فناوری موشکی در ابعاد اشاره شده بر امنیت ملی کشورها و از آن جمله امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نائل گردید.

ج) امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به مطلبی که در قسمت تعریف امنیت ملی اشاره شد مبنی بر الویت اول همه دولت‌ها امنیت ملی آن‌ها است، برای جمهوری اسلامی ایران نیز مانند هر دولت دیگر، اولین هدف، حفظ امنیت ملی و دفاع از کشور است. زیرا که بدون تأمین امنیت ملی و بقاء کشور، دستیابی به سایر اهداف ملی دشوار و غیر ممکن خواهد بود.

بر این اساس در تعریف امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌توان بیان داشت که: امنیت ملی عبارت است از فقدان تهدیدات علیه ارزش‌های مکتب جمهوری اسلامی ایران و عدم احساس تهدید نسبت به آنها. بی‌تردید، حیاتی‌ترین و مهمترین ارزش ملی، حفظ موجودیت و بقای کشور است. موجودیت و بقای جمهوری اسلامی ایران نیز بر حسب حفظ تمامیت ارضی، حاکمیت ملی و استقلال و ادامه‌ی حیات ملت و نظام جمهوری اسلامی تعریف می‌گردد.

اصل سوم قانون اساسی در این باره بیان می‌کند: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است همه امکانات خود را برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور به کار

برد». اصل ۱۴۳ قانون اساسی نیز مهمترین وظیفه ارتش جمهوری اسلامی ایران را «پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی کشور» تعیین می‌کند. امام خمینی (ره) نیز فرموده اند: «دفاع از اسلام و ایران برای همه قشرها از اهم واجبات دینی است» (امام خمینی، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

جمهوری اسلامی ایران از انقلاب اسلامی و چه قبل از آن همواره داعیه یک قدرت منطقه‌ای را داشته است؛ و با کشورهایی چون عراق، عربستان، پاکستان و ترکیه رقابت در رقابت بوده است. این سیاست در قبل از انقلاب با ژاندارمی منطقه دنبال می‌شد ولی پس از انقلاب تعارض با سیاست‌های آمریکا در منطقه و دشمنی با رژیم صهیونیستی در کنار بی‌اعتمادی به رژیم‌های عربی منطقه، فضای امنیتی کاملاً جدیدی را ترسیم نمود. جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در کنار اعمال تحریم‌های گسترده جهان غرب علیه ایران، پدیده داعش و دشمنی کشور عربستان و گروه‌های سلفی با ایران، کشور را به این باور رساند که بدون داشتن یک توان بومی بازدارنده امکان حفظ امنیت خود را نخواهد داشت (دهقانی، ۱۳۹۱: ۲۹۹).

بنابراین جمهوری اسلامی ایران، این توان بومی بازدارنده را در قالب برنامه دفاعی موشکی خود تعریف کرده و در پی دستیابی، ارتقا و حتی صادرات موشک‌های خود به کشورهای همسایه بر اساس اصل بازدارندگی و تأمین امنیت ملی فراتر از مرزهای حاکمیتی خود بر آمده است.

عواملی هم چون، حضور گسترده آمریکا در منطقه خاورمیانه و محیط تهدیدزای پیرامون جمهوری اسلامی و اعمال تحریم‌های بین‌المللی به ویژه در زمینه تسلیحات و فناوری‌های سطح بالا و پیشرفته و همچنین بر اساس اصل «دفاع از خود»، سبب گردیده تا ایران ضمن اندیشیدن به خودبسندگی در زمینه تسلیحات متعارف، حمله به نقاط ضعف دشمن بر مبنای مقدرات متعارف (مبتنی بر نبرد ناهمگون) را در سیاست دفاعی خود قرار دهد، تا از این طریق بتواند با تکیه بر اصل بازدارندگی که در ادامه بدان اشاره می‌گردد، دشمنان بالقوه و

بالفعل را به این باور برساند که تهاجم علیه ایران هزینه‌های زیادی برای آنان به بار خواهد آورد. بنابراین گسترش ساختار دفاعی ایران بیش از آنکه ماهیت تهاجمی داشته باشد در قالب راهبردی بازدارنده و دفاعی سازماندهی شده است (عسگر خانی، حق شناس، ۱۳۹۰: ۸۹).

بازدارندگی^۱

بازدارندگی به طور کلی به توانایی منصرف کردن دولت دیگر از شروع مجموعه ای از اقدامات مغایر با منافع امنیتی حیاتی کشور بر اساس توانایی نمایشی قابل فهم برای دولت متخاصم گفته می شود (Abbasi, 2015:2)؛ بر این اساس، بازدارندگی را می توان به عنوان یک وضعیت عمومی رابطه میان کشورها در نظر گرفت؛ وضعیتی که در آن کشورهای مخالف، دشمن یا رقیب برای نظام مند کردن روابطشان به حفظ نیروهای نظامی می پردازند، حتی اگر هیچ کدام وقوع یک حمله را محتمل نمی دانند. از سوی دیگر، بازدارندگی را می توان وضعیتی فوری به حساب آورد، هنگامی که حداقل یک کشور قصد تجاوز کارانه را آشکار ساخته و در پی آن ضد تهدید مدافع، متجاوز بالقوه را منصرف کرده است.

بازدارندگی با تأکید بر تفاوت بنیادی میان توان آسیب رساندن و توان شکست دادن دشمن، تنبیه و پیروزی، یا تنبیه و امتناع معمولاً با دفاع متفاوت است. در دفاع، حتی با آغاز جنگ، هدف حفاظت از دارایی های کلیدی است، درحالی که در بازدارندگی، پس از شکست بازدارندگی هدف واکنش و اجرای تهدید اعلام شده است. بنابراین، الزاماً مبتنی بر حفاظت از دارایی های کلیدی نیست؛ مثلاً در عرصه هسته ای، ما با این احتمال زندگی می کنیم که چنانچه بازدارندگی ناکام بماند، ممکن است تهدید با استفاده از سلاح هایی اجرا شود که هیچ گونه مورد استفاده عقلانی و دفاعی ندارد.

¹ Deterrence

بطور کلی، بر آورد الزامات بازدارندگی نیازمند یافتن موازنه میان این موارد است: «وضوح و ابهام» تا جاییکه بتواند به انتقال مناسب پیام تهدید کمک نماید؛ «عقلانیت و نابخردی» برای حفظ اعتبار میان تنبیهی که آنقدر کوچک باشد که قابل قبول گردد و تنبیهی که آنقدر بزرگ باشد که واقعاً آسیب برساند و درنهایت، میان قابلیت که برای حمله دوم به اندازه کافی مطمئن باشد، اما آنقدر که توانمندی ضربه اول را نیز داشته باشد.

نکته پایانی این بخش این است که بازدارندگی بر خلاف آن چه تصور می‌شود ابداع عصر سلاح‌های اتمی نیست. زیرا تلاش برای نفوذ گذاری بر دیگران از طریق تهدید به مجازات، به قدمت دیپلماسی است. دولت مدافع، با تهدید ارزش‌های یک حمله کننده بالقوه، در صدد جلوگیری از برخی رفتارها بر می‌آید (هالستی، ۱۳۹۴: ۴۸۲).

الف) ریشه شناسی بازدارندگی

بازدارندگی معادل واژه انگلیسی Deterrence حداقل از جهت خاستگاه‌هایی که دارد، پا را از محاسبات سنجیده و امید بخش سایر واژه‌ها فراتر می‌نهد. بررسی ریشه شناختی این واژه با «دتره» Deterre لاتین آغاز می‌شود که به معنای «گریزاندن، به وحشت انداختن و ماندن» است. اما کاربرد این واژه در انگلیسی پیوسته گسترش پیدا کرد به نحوی که اکنون عبارت از «ترساندن دیگری با یک مقصود خاص» معنا می‌دهد. این تعریف همان چیزی است که بازدارندگی استراتژیک و مد نظر ما را معنا می‌دهد (فریدمن، ۱۳۹۰: ۲۳). در ادامه برای بررسی بهتر بازدارندگی به تعریف، مفروضات، استراتژی و الگوهای آن پرداخته و در نهایت بازدارندگی به عنوان راهبرد جمهوری اسلامی ایران مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

ب) تعریف بازدارندگی

بازدارندگی به تلاش کنشگران اصلی روابط بین‌الملل در جهت تهدید ارزشهای دیگری (طرف مقابل) ارجاع داده می‌شود که هدف از این تهدید، تغییر در راه حل‌های طرف مقابل است.

بازدارندگی در ساده ترین شکل آن عبارت است از نوع ویژه‌ای از روابط سیاسی و اجتماعی که در آن یک طرف سعی در نفوذ بر رفتار طرف دیگر در جهت رفتار مطلوب خود دارد. البته نفوذ می‌تواند به طرق مختلف و به منظور تحصیل اهداف گوناگون اعمال شود. با این حال بازدارندگی نوعی مشخص از اعمال نفوذ است که مستقیماً و آشکارا و بر مبنای تهدید به مجازات و یا محروم کردن طرف مقابل از منابع خود قرار دارد (افتخاریان، ۱۳۷۰: ۲۲). همچنین بازدارندگی به معنای متقاعد کردن حریف نسبت به اینکه هزینه و یا خطرات مشی احتمالی وی از منافع آن بیش تر است، می‌باشد.

بازدارندگی به عنوان یک استراتژی در پی آن است که متخاصمان را به نحوی تشویق و ترغیب نماید تا در پی گیری منافع خویش از انجام برخی اقدامات پرهیز نماید. بازدارندگی استراتژی است که از طریق رفتار و گفتار طرف مقابل را به انجام آنچه که می‌خواهد وادار کند بدون اینکه هیچ گونه برخوردی پیش آید. از طریق بازدارندگی به طرف مقابل می‌توان نشان داد که در صورت بروز هرگونه اقدامی برخلاف مصالح کشور بازدارنده عواقب سختی در انتظار آن می‌باشد.

هدف از بازدارندگی مرتفع کردن جنگ است و آن ترکیبی از تهدید، برخورداری از توانایی اجرای تهدید و در صورت لزوم مصمم بودن در انجام آن می‌باشد. در سیاست بین‌الملل بازدارندگی بر اساس امنیت ملی است و برای انهدام توان کشور متخاصم و دشمن احتمالی قدرت هرچه بیش تری را می‌طلبد. ضمن اینکه موفقیت کاربرد بازدارندگی مستلزم تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری عقلایی در طرف متخاصم می‌باشد. سیاست بازدارندگی کوشش و اقدام حساب شده‌ای است که از راه تهدید به مجازات برای عدم پذیرش و انجام اصول شناخته شده، دشمن را وادار به اجرا یا عدم اجرای این امر نماید (شاهی، جوان، ۱۳۸۸: ۳۱).

به عبارت دیگر، بازدارندگی عبارت است از تأمین توانمندیهای لازم در کشور بازدارنده با این هدف که کشور مزبور بتواند به منظور متقاعد ساختن طرف مقابل یا مجبور ساختن

آن به چشم‌پوشی از رفتاری معین یا وادار ساختن دشمن به صرف نظر از اهدافی که تعقیب می‌کند، تصمیم‌های لازم را اتخاذ نماید.

بازدارندگی به معنای به کارگیری و استفاده از نیروهای مسلح نیست، بلکه به معنای عدم استفاده از نیروی نظامی است؛ چون طرفهای وارد در منازعه با بررسی بسیار دقیق، دستاوردها و خسارتهای ناشی از جنگ را ارزیابی نموده، سپس چنان چه برای آنها ثابت شود که خسارتهای حاصله از یک جنگ بسیار بیشتر از دستاوردهای مثبت آن است، به طور قطع از توسل به جنگ خودداری خواهند کرد. با توجه به این مفروضه، بازدارندگی بعنوان یک راهبرد در پی آن است تا متخصصان را از قدرت تصمیم‌گیری برای به کارگیری و استفاده از نیروی نظامی ناتوان سازد (بوفر، ۱۳۷۶: ۲۶۳).

ج) مفروضات و مفاهیم پایه‌ای بازدارندگی

بازدارندگی دارای مفروضات و مفاهیم اساسی و پایه‌ای متفاوتی است که شناخت آن به درک و فهم بهتر نسبت به بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کند. برخی نظریه پردازان میان مفروضات و مفاهیم بازدارندگی قائل به تفکیک بوده و مفروضات را شامل عوامل چهارگانه زیر می‌دانند:

وجود دو بازیگر رقیب که پیوستدگی مثبت یا منفی منافع داشته باشند،

منطقی و عقلایی (عقلانیت ابزاری) تصمیمات مدافع و مهاجم،

تحمل ناپذیر بودن خسارات ناشی از جنگ احتمالی،

اثر توان نظامی در تغییر تصمیم بازیگر مهاجم، یعنی تهدید در سطح بالا باشد که رفتار تجاوزکارانه را منع کند (هالستی، ۱۳۹۴: ۴۸۲).

در مقابل مفاهیم اساسی شامل: قابلیت، اعتبار، ارتباط و ثبات می‌گردد. در این قسمت به توضیح برخی از مهمترین مفروضه‌ها و مفاهیم بازدارندگی اشاره می‌گردد (سیف زاده، ۱۳۷۹).

بند اول - خردگرایی تصمیم گیرندگان و وجود بدیل‌های مختلف

بازدارندگی بر اساس فرض وجود حداقل عقلانیت در اندیشه و رفتار دولت رقیب قرار دارد. با فرض چنین عقلانیتی این الزام وجود دارد تا دولت رقیب بتواند خونسردانه و هوشمندانه با ارزیابی محاسبه سود و زیان از اقدام به عملی خودداری کند. بنابراین، چنان چه تهدید ارزشهای طرف مقابل به اندازه کافی بزرگ باشد، بازیگری که قصد تهاجم و بر هم زدن وضع موجود را دارد، برای حفظ بقای خود مجبور می‌شود از بدیل‌های دیگر به جای تهاجم استفاده کند. از آنجا که استفاده از سلاح اتمی منجر به افزایش هزینه‌های نظامی از لحاظ اقتصادی و تلفات می‌شود، یک جنگ هسته‌ای، وسیله‌ای غیر مناسب برای تأمین منافع ملی و یک ابزار غیر عقلانی برای تحصیل اهداف مورد نظر است.

برخی از تحلیلگران روابط بین‌الملل بر این باورند که اعتماد بیش از اندازه بر محاسبه صرف تصمیم‌گیرندگان دو طرف، بدون در نظر گرفتن نوع ارزشهای مورد تنازع یا به خطر افتاده، خطاست. گاه برای برخی از بازیگران از دست دادن سرزمین در قبال جلوگیری از افزایش تلفات انسانی و خسارتهای گسترده مالی قابل تحمل‌تر است و گاه برای یک بازیگر دیگر، نه تنها موضوع اشغال سرزمین اهمیت حیاتی می‌یابد، بلکه به دلیل حیثیتی شدن موضوع و در خطر افتادن ارزشهای حیاتی حاضر است دست به اقدامات تهور آمیز و کاملاً غیر قابل پیش‌بینی بزند.

از دیدگاه هالستی، نقش مسایل ایدئولوژیک و ایثارگرانه و عوامل معنوی دینی و حتی احساسات ملی، گاه چنان بر تصمیم‌گیرها غلبه پیدا می‌کند که امکان محاسبه را دست کم از یک طرف باز می‌ستاند و در نهایت این نظریه با شکست مواجه می‌شود. نکته مهمی که در اینجا باید بدان توجه شود، بحث «عقلانیت ارزشی» است. هالستی و شیلینگ معتقدند که با ورود این عامل، مبنای ارزیابی از محاسبه سود و زیان مادی خارج می‌شود و عامل دیگری که خاستگاه و ارزش معنوی دارد و چندان با معیارهای مادی قابل سنجش نیست، وارد می‌شود. ورود عامل فوق قواعد بازی را بر هم می‌زند؛ یک طرف مبنای حرکت

خویش را محاسبه عقلایی سود و زیان قرار می‌دهد و طرف دیگر، بر همین مبنای، اما از منظری ارزشی و غیر کمی، به دفاع از آرمان و اصول خویش می‌پردازد؛ برای او در این عرصه شکست دشمن یا مرگ و شهادت چندان تفاوتی نمی‌کند. برای وی مباحث ارزشی دیگر مطرح است که فهم آن از طریق عادی و با محاسبات رایج متفاوت و بلکه در تضاد است (Holsti, 2000: 9-18).

بند دوم - ایجاد ارتباط

شرط دیگر بازدارندگی موثر آن است که، باید دشمن را به طور دقیق از حدود اعمال ممنوعه و اتفاقی که در صورت عدول از آن خواهد افتاد، آگاه ساخت. چنانچه هدف اصلی از بازدارندگی جلوگیری از وقوع یک مصیبت بزرگ است، نخستین گام در این راه، تشخیص تا حد ممکن صحیح و واقع بینانه منافع حیاتی خود و طرف یا طرفهای مقابل است. تشخیص و تعیین منافع حیاتی خود به نسبت آسان است و مشکل، تشخیص منافع حیاتی طرف مقابل و تفهیم منافع خود به آن طرف به عنوان منافع حیاتی و غیر قابل اغماض و مذاکره است.

بازدارندگی در عصر اتمی ایجاب می‌کند تا درصد معتناهی از اطلاعات سری طرف بازدارنده به طرف مقابل منتقل شود، مشروط بر اینکه این اطلاعات برای تصحیح برداشت غلط از آنها از قابلیت‌های طرف اول به کار رود (شعرباف، ۱۳۸۰: ۹۴). عدم وجود رابطه میان طرفین موجب می‌شود تا اطلاعات کافی راجع به نیروهای تلافی‌جویانه موجود در طرف مقابل برای هر یک از طرفین حاصل نشود، فقدان چنین رابطه‌ای موجب فروریزی بازدارندگی خواهد شد.

بند سوم - قابلیت‌های بازدارندگی

یکی دیگر از مفروضه‌ها برای تحقق یک بازدارندگی پایدار، میزان توانایی و قابلیت حفظ بازدارندگی است. به دلیل ساخت غیر متمرکز نظام بین‌الملل و ضرورت دفاع از خود، نگهداری قوای قهریه امری الزامی است. بنابراین، به منظور حفظ بازدارندگی، نیروها

و امکانات طرف بازدارنده باید در آن سطح کمی و کیفی قرار گیرد تا دست کم قادر به وارد آوردن ضربه‌ای به دشمن، آن هم پس از دریافت و جذب حمله غافلگیرانه هسته‌ای طرف مقابل باشد.

نکته مهم در اینجا این است که قدرت تخریب این ضربه متقابل باید برابر یا بیش از میزان تحمل خسارت برای خصم باشد. از این رو یکی از عناصر مهم راهبرد بازدارندگی، رقابت شدید تسلیحاتی و مجهز بودن به مدرن‌ترین سلاح‌ها و نیروها و فناوری تسلیحاتی است. کشور بازدارنده باید به طور روزافزون در پی کسب پیشرفته‌ترین فناوری نظامی و برتری تسلیحاتی نسبت به رقیب باشد (بوفر، ۱۳۷۶: ۲۷۰).

بند چهارم - اعتبار

صرف برخورداری از قابلیت وارد آوردن ضربه‌ای قابل قبول به دشمن، از لحاظ میزان خسارت، حتی انتقال صحیح و بدون واسطه اطلاعات مربوط به این قابلیت و حصول اطمینان از تفهیم آن به طرف مقابل برای حفظ بازدارندگی کافی نیست. چون استفاده از سلاح هسته‌ای غیر عقلایی است و قدرت تخریبی سلاح‌های هسته‌ای آن چنان زیاد است که هیچ هدفی قادر به توجیه استفاده از آن نیست، بنابراین، این اعتبار تهدید یک قدرت هسته‌ای است که نیمه دیگر از دایره بازدارندگی را تکمیل می‌کند.

به عبارت دیگر، تهدید به مجازات باید به شکلی آشکار منتقل شود، و باید آن را به صورت قابل باوری ارایه داد و برانتظارات طرف مقابل چنان نفوذ کرد که او به اینکه تهدید بازدارنده واقعا به مرحله اجرا درخواهد آمد، باور داشته باشد و بداند که در صورت تعدی، می‌باید مجازات تعیین شده را تحمل کند. به عقیده بسیاری اعتبار یک تهدید تا حد زیادی به عزم جدی طرف بازدارنده برای به کارگیری سلاح مورد نظر در صورتی که شرایط اقتضا کند بستگی دارد. به عبارتی، داشتن توانایی کافی برای عملی ساختن آن تلافی است که تهدید به انجامش شده است (هالستی، ۱۳۹۴: ۴۸۳).

کیسینجر بر این عقیده است که صرف تسلیحات و اراده به کارگیری آن نمی‌تواند زمینه‌ساز اعمال سیاست بازدارندگی باشد، بلکه از منظر دیدگاه روانشناسانه حرکتی که به قصد بلوف انجام می‌گیرد ولی جدی تلقی می‌شود، به عنوان عاملی بازدارنده موثرتر از یک تهدید واقعی است که در نظر طرف مقابل بلوف تلقی می‌گردد. بازدارندگی مستلزم ترکیبی از عوامل مختلف قدرت، قصد کاربرد آن و ارزیابی این عوامل و تصدیق آن به وسیله مهاجم بالقوه است. پس در اینجا آشکار بودن توانمندی کشور بازدارنده و اراده به کارگیری آن بر کارآمدی و اعتبار بازدارندگی تأثیر مهمی دارد (لطفیان، ۱۳۷۶: ۱۸۴). علاوه بر این، بخش دیگری از اعتبار ذاتی این تهدید ناشی از واقعیت یک سویه یا یک جانبه بودن بازدارندگی است. زمانی که یکی از طرفها به طور انحصاری سلاح هسته‌ای در اختیار دارد، باز دارندگی از اعتبار بیشتری برخوردار است، چون طرفی که قدرت دارد، دیگران را می‌ترساند و در نتیجه می‌کوشد از طریق ارعاب به هدفهای سیاست خارجی خود دست یابد. این نوع بازدارندگی در واقع به نحوی مشابه باجگیری است، اما اگر دو طرف از نظر قدرت برابر باشند و بازدارندگی دو جانبه محقق شود، تحصیل اعتبار مشکل‌تر است، چون هر دو طرف قادر به وارد آوردن خسارت به یکدیگر هستند (لطفیان، ۱۳۷۶: ۱۸۵).

بند پنجم - ارزش ضربه اول و ارزش ضربه دوم (تلافی جویانه)

یک رکن مهم بازدارندگی برخوردار از ثبات، توان وارد آوردن ضربه دوم متقابل است (هالستی، ۱۳۹۴: ۵۰۳). قابلیت ضربه اول عبارت از وضعیتی است که کشور (الف) بتواند در یک حمله هسته‌ای تمام عیار و غافلگیرانه، قسمت اعظم سلاحهای هسته‌ای کشور (ب) را از کار بیندازد، به نحوی که کشور (ب) نتواند خسارتی غیر قابل قبول بر کشور (الف) وارد سازد؛ اما زمانی که کشور (ب) پس از دریافت و جذب ضربه اول قادر باشد خسارتی غیر قابل قبول یا تحمل بر کشور (الف) وارد سازد در اینجا کشور (ب) از قابلیت ضربه دوم یا تلافی جویانه برخوردار است. روشن است که بازدارندگی هسته‌ای بر مبنای تحقق حفظ

اعتبار قابلیت ضربه دوم استوار است (لطفیان، ۱۳۷۶: ۱۸۷). به عبارت دیگر، کشوری که فاقد قابلیت ضربه دوم باشد و یا آن را از دست بدهد، مطلقاً قادر به بازداشتن طرف مقابل از دست زدن به حمله هسته‌ای تمام عیار نیست.

بازدارندگی پایه تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

بازدارندگی را می‌توان اقداماتی جهت جلوگیری مخالفان در استفاده از قدرت نظامی برای دست یابی به اهداف سیاسی و ممانعت آنان از دست زدن به اقدامات مسلحانه و جلوگیری از افزایش درگیری در صورت وقوع آن تعریف کرد (غریب‌آبادی، ۱۳۸۱: ۱۱) که بر پایه اصولی مانند تهدید به مجازات و ممانعت از عمل طرف مقابل استوار است. بازدارندگی معمولاً زمانی صورت می‌گیرد که طرف اول در جایگاه یک واحد سیاسی سعی در این داشته باشد که به طرف مقابل بفهماند که اگر به انجام عمل خاصی ادامه دهد، با از بین رفتن دارایی‌های ارزشمند آن واکنش نشان خواهد داد. بنابراین آنچه باعث بازدارندگی می‌شود، ترش کشور دوم از عملی شدن تهدید طرف اول در صورت اقدام است (عبدالله خانی، ۱۳۹۴: ۴۰).

استراتژی‌های الگوی بازدارندگی با توجه به هدف اصلی بازدارندگی که منصرف ساختن دشمن از حمله احتمالی است، به انواع مختلفی تقسیم می‌شود که مهمترین آن‌ها عبارتند از: استراتژی تهاجمی و تدافعی. در استراتژی تهاجمی، بازی‌های استراتژیک مبتنی بر تهدید متقابل شکل خواهند گرفت؛ اما در استراتژی تدافعی، هدف حفاظت از سیستم سیاسی یا منطقه‌ای به گونه‌ای است که در برابر حملات دشمن، بقای آن تضمین گردد و دشمن را به این نتیجه رهنمون کند که حتی در صورت حمله به آن کشور یا منطقه، قادر به تسلیم نمودن آن نیست و در نهایت حمله، هزینه بیشتری نسبت به دستاوردها دارد (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۲۰).

تجربه ایران در طی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز عامل مهمی در تأکید بر بازدارندگی بوده است. سیاستمداران ایران معتقد بودند که عراق از روی به ایران حمله نمود که هرج و مرج حاکم بر کشور پس از انقلاب، پاک سازی نیروهای مسلح و از دست رفتن حمایت سیاسی - نظامی قدرت‌های بزرگ از ایران، این توهم را در ذهن رهبران عراق ایجاد کرده بود که توان بازدارندگی نیروهای مسلح کشور به شدت کاهش یافته است، بنابراین غلبه بر ایران حتمی است. در طول جنگ و پس از آن یکی از اقداماتی که برای افزایش توان بازدارندگی نیروهای مسلح اتخاذ شد تجهیز مجدد آن به جنگ‌افزارهای نوین بود که یکی از مهم ترین این جنگ‌افزارها موشک‌ها می‌باشند.

اظهارات هاشمی رفسنجانی در دوران پس از جنگ نیز موید این مطلب است « برای ما موشک‌های بالستیک یک عنصر بازدارنده هستند. ایران به این دلیل باید دارای این نوع موشک‌ها باشد که حتی فکر حمله به ذهن همسایگان ما خطور نکند» (طارمی، ۱۳۸۲: ۱۸۰).

تسلیمات موشکی ایران دارای ماهیت بازدارنده است. بسیاری از این گونه تجهیزات و تسلیحات دفاعی می‌تواند که قابلیت‌های تمامی قدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا را خنثی سازد. امروزه امنیت ایران مبتنی بر راهبرد «بازدارندگی تدافعی» است و هدف از اقدام‌ها و راهبردهای تدافعی تنها دفاع در برابر ایجاد و تقویت این تصور است که هر گونه حمله دشمن با پاسخی دندان شکن مواجه خواهد شد. (عسگرخانی، حق شناس، ۱۳۹۰: ۹۱).

در واقع اتخاذ الگوی بازدارندگی در مقابل تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی، پتانسیل‌های نظامی ایران را در راستای اتخاذ استراتژی تدافعی و همچنین تأمین امنیت ملی ایران برجسته می‌سازد؛ که توانایی ایران در زمینه‌های نظامی و موشکی، توانایی بازدارندگی بیشتری را به آن خواهد داد و می‌تواند تأمین بخش منافع و امنیت ملی کشور در این حوزه گردد. بر این اساس، «موشک» عامل مهمی در تأمین این هدف یعنی «امنیت ملی» ایران به شمار می‌آید. (نجات و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۴).

بازدارندگی موشکی به مثابه راهبرد جمهوری اسلامی ایران

هر کشوری متناسب با تهدیدهای فراروی خود راهبردهای مقابله‌ای نظامی و غیرنظامی متفاوتی را انتخاب می‌نماید. تلاش برای بازدارندگی همه‌جانبه و افزایش توانمندی نظامی و دفاعی کشور، بدون شک مهمترین محورهای راهبرد نظامی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدهاست. به بیان دیگر، سایر محورها بر اساس بازدارندگی ساماندهی و اجرا می‌شوند که یکی از مهم‌ترین بخش‌های راهبرد دفاعی ایران به شمار می‌آید. برای بررسی اهمیت و تاریخچه‌ی بازدارندگی در راهبرد دفاعی ایران جدای از تجربه‌های تلخ دخالت‌های نظامی و سیاسی دیگر کشورها در ایران پیش از انقلاب، می‌توان به رخداد‌های مهمی مانند تجربه هشت سال دفاع مقدس و حمله نظامی آمریکا برای آزادسازی گروگان‌ها اشاره کرد. پر واضح است که حمله به کشوری که دارای فناوری موشک‌های پیشرفته است با پاسخ‌های سریع و قاطع کشوری که مورد حمله قرار گرفته، مواجه می‌شود. بنابراین در صورت حمله، هزینه‌های زیادی بر کشور مهاجم تحمیل خواهد شد و افزون بر آن ترس از حمله‌های موشکی مانعی همیشگی برای کشور مهاجم خواهد بود. بدین ترتیب توسعه ظرفیت‌های موشکی برای جمهوری اسلامی ایران امری ضروری به حساب می‌آید.

همچنین دست‌یابی به توانمندی‌های موشکی مبتنی بر برخی الگوهای خواهد بود که همه کشورها بالأخص جمهوری اسلامی ایران در الگوی بازدارندگی مؤثر از آن پیروی خواهد نمود. این الگوها عبارت است از:

تهدیدات موشکی از طرف کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای،

برخورداری از ظرفیت‌های خاص موشکی،

دکترین سازی مبتنی بر توانمندی‌های موشکی،

شرایط محیط سیاسی، جغرافیایی و راهبردی خاورمیانه،

تأمین امنیت توسط برخورداری از توانمندی‌های خاص موشکی (نظیر برد، قدرت تخریب،

نقطه زنی، حمل مهمات بیشتر و ...) (نصیری، ۱۳۹۳).

بر همین اساس، سرمایه گذاری‌های عظیمی در سازمان دفاعی جمهوری اسلامی ایران انجام شده و کشور توانسته است به موشک‌های فاتح، تندر، خلیج فارس، شهاب ۱، ۲، ۳، ۴، موشک‌های سجیل و قیام دست پیدا کند. در این مدت، جمهوری اسلامی ایران از یک سو با هدف نمایش توان دفاعی و بازدارندگی خود و از سوی دیگر آشکار کردن این توانمندی در زمینه ی موشکی و بی اثر کردن تهدیدها؛ رزمایش‌های موشکی فراوانی را برگزار کرده است.

هدف اصلی جمهوری اسلامی ایران از سرمایه گذاری در صنعت موشکی، منصرف کردن کشورهای متخاصم از حمله نظامی به ایران و بالا بردن ضریب بازدارندگی و دفاعی کشور است. در این چارچوب، رزمایش‌های نظامی و به ویژه رزمایش‌های موشکی با هدف نشان دادن توانایی ایران در حوزه موشکی و در نتیجه افزایش بازدارندگی در برابر تهدیدها انجام می‌شوند. در واقع برگزاری این رزمایش‌های نظامی در چارچوب رقابت و خصومت موجود بین جمهوری اسلامی ایران، آمریکا، رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی منطقه با هدف افزایش بازدارندگی در مقابل تهدیدهای روزافزون، تجزیه و تحلیل می‌گردد (تنهایی، ۱۳۹۳: ۱۱۷).

این اذعان خود اندیشکده‌های مطالعاتی غرب است که هدف برنامه‌های موشکی ایران و البته کره شمالی را بع عنوان یک عامل بازدارنده البته نه به معنای یک بازدارندگی کلاسیک، بلکه برای جلوگیری از تجاوز ایالات متحده آمریکا به آن‌ها می‌دانند (Heinrichs, 2016:11).

ظرف سالهای اخیر و پس از آزمایش موفقیت آمیز موشک شهاب ۳ با سوخت مایع و ساخت موشک‌های عاشورا، قدر، حوت، زلزال، فاتح، فجر و میثاق، و دستیابی به فناوری پرتاب ماهواره بر سفیر، تلاش برای خودکفایی در ادوات نظامی مانند تانک، نفربر، توپخانه، مین‌های دریایی، رادار، بالگرد، پهپاد و هواپیما، اجرای سامانه پدافند غیرعامل در

سراسر کشور، برگزاری رزمایش‌های متعدد برای بالا بردن توان و سرعت عمل نیروهای نظامی و برای مقابله با تهدیدهای فزاینده منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بوده‌اند.

این اقدامات با هدف افزایش توان نظامی و کسب بازدارندگی صورت گرفته و بیشتر برای مجبور نمودن آمریکا به پرهیز از انجام اقدامات نظامی علیه منافع امنیتی ایران بوده است؛ بنابراین موازنه سازی نظامی ایران بیش از آنکه برای دست زدن به جنگ و درگیری نظامی باشد، به قصد بازدارندگی و محدودسازی گزینه‌های طرف مقابل بوده است (عباسی، ۱۳۹۱: ۱۵۲).

از سویی، موشک‌های بالستیک و کروز به عنوان سلاح راهبردی، نقش عمده‌ای در ایجاد «بازدارندگی دفاعی» در مقابل تهدیدات خارجی دارند. در طول جنگ و پس از آن، یکی از اقداماتی که برای افزایش توان بازدارندگی نیروهای مسلح اتخاذ شد تجهیز آن به جنگ‌افزارهای نوین بود. یکی از این جنگ‌افزارها موشک‌های بالستیک بود. موشک‌های بالستیک دارای سه ویژگی هستند که آنها را برای بازدارندگی متعارف ایده آل می‌کنند: توانایی نفوذ در شبکه دفاعی دشمن، قابلیت بقا قبل از شلیک و برد نسبتاً زیاد. علاوه بر ویژگی‌های فوق الذکر، موشک‌های بالستیک محیط امنیتی ایران نیز دارای خصوصیتی از جمله تکثیر سلاح‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک در کشورهای همجوار است که سبب می‌شود موشک‌های بالستیک بتوانند نقش مهمی به عنوان ابزار بازدارندگی برای کشورمان داشته باشند (طارمی، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

از دیگر سو، دکترین بازدارندگی نامتقارن ایران که با اوج‌گیری بحران هسته‌ای ظرف دهه اخیر به رغم تهدیدهای آشکار و مکرر آمریکا و رژیم صهیونیستی به حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران، هر دو به واسطه قدرت بازدارندگی نامتقارن دفاع موشکی ایران و شعله ور شدن جنگ در منطقه از این اقدام بازداشته شده‌اند و این، مهم‌ترین اثر بازدارندگی موشکی نیروهای نظامی ایران بوده است. کارشناسان نظامی غربی بر این باورند که انتخاب شیوه دفاعی نامتقارن مبتنی بر گسترش توان موشکی و حوزه امنیتی جمهوری

اسلامی ایران به سایر کشورهای خاورمیانه با هدف ایجاد سپر بازدارنده در مقابل حملات احتمالی آمریکا و رژیم صهیونیستی و متحدان غربی توسط ایران در سال‌های اخیر صورت گرفته است. آنها معتقدند درگیری غیر مستقیم مبتنی بر ابهام سرعت و استفاده از نقاط ضعف دشمن به جای درگیری مستقیم با نیروهای مهاجم فلسفه‌گزینش این سبک دفاعی توسط ایران هست (عباسی، ۱۵۱: ۱۳۹۱).

نکته مهم دیگری که در این قسمت در خصوص بازدارندگی موشکی به عنوان راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران لازم است بیان گردد این است که، ایران از موقعیت ژئوپلیتیک ویژه‌ای برخوردار است. این موقعیت همواره عاملی تعیین کننده در مسائل دفاعی و امنیتی کشور در سطح ملی بوده است؛ به طوری که در مقاطعی به عنوان فرصت و گاه در قالب تهدید عمل نموده است (کریمی پور، ۱۳۸۰: ۸۰).

کشورهای خاورمیانه خصوصا ایران با توجه به طیف وسیع تهدیدات، غالباً موشک‌ها را به عنوان رکن اصلی راهبرد بازدارندگی نظامی خود در نظر گرفته اند. کشورهای منطقه در دکنترین نظامی و دفاعی خود با توسعه سلاح‌های موشکی می‌توانند ابزار بیشتری برای تلافی به دست بیاورند و به ویژه توانایی ضربه دوم را نیز پیدا کنند (ملکی، ۱۳۹۰: ۱۰۹). «راهبرد بازدارندگی موشکی» با توجه به موقعیت منطقه و شرایط جغرافیایی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران، انتخابی منطقی بوده است که کاربرد خود را در جنگ تحمیلی و جنگ اول و دوم خلیج فارس نشان داد.

نحوه نگرش ایران به دستیابی به توانایی موشکی نیز منعکس کننده اهمیتی است که به لحاظ امنیتی برای آن قائل می‌باشد. برخلاف کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی یا کشورهای همجوار خلیج فارس که سیستم‌های موشکی را به طور کامل از خارج خریداری کرده اند، جمهوری اسلامی ایران از ابتدا در پی دستیابی به خودکفایی در طراحی و تولید موشک‌های بالستیک توجه داشته است (طارمی، ۱۳۸۲: ۱۹۰).

البته از ذکر این نکته نیز نباید غافل شد که تحریم‌های تسلیحاتی و عدم واگذاری و فروش چینی سامانه‌هایی به ایران، عاملی در جهت رفتن به سمت ساخت موشک بوده است که از جمله تحریم‌های اسلیحاتی بر اساس همین رژیم کنترل فناوری موشکی و نیز قطعنامه‌هایی است که مورد استناد این رژیم واقع شده‌اند.

بنابر این، ارزش نظامی موشک‌ها را می‌توان در مواردی چون برد، سرعت، شتاب، قدرت تخریب، عدم امکان دفاع موثر، قابلیت حمل کلاهک‌های نامتعارف و برخی امتیازات فنی و مالی خلاصه کرد (ملکی، ۱۳۹۰: ۹۹). ایران تلاش نموده است که بر میزان دقت موشک‌های خود بیفزاید تا بتواند اهداف نقطه‌ای را مورد حمله قرار دهد و به این شکل، توانایی‌های تاکتیکی خود را به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش دهد.

در همین حال، هم در مورد افزایش برد و هم در مورد افزایش دقت، میزان موفقیت ایران تا حد زیادی بستگی به توانایی‌های فناورانه ایران دارد. جمهوری اسلامی ایران با تولید موشک‌های فاتح ۱۱۰، سعی می‌کند که موتورهای با سوخت جامد را جایگزین موتورهای با سوخت مایع نماید (طارمی، ۱۳۸۲: ۱۹۱).

نتیجه‌گیری

این پژوهش به دنبال ترسیم راهبرد امنیت ملی ایران در قالب بازدارندگی دفاعی موشکی بود. بر این اساس در ابتدا ضمن بررسی امنیت و امنیت ملی و ارائه تعاریف مناسب در جهت پیشبرد پژوهش، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بررسی گردید. سپس در ادامه بازدارندگی به مثابه راهبرد امنیت ملی جمهوری اسلامی مورد کنکاش واقع شد. ابتدائاً به ریشه‌یابی واژه بازدارندگی و تلاش برای رسیدن به یک پایه مشترک در تعریف بازدارندگی بر اساس ارائه مفروضات و پایه‌های اساسی آن و نیز بیان استراتژی‌ها، الگوها و روش‌های بازدارندگی، کارایی بازدارندگی در صحنه عمل مورد بررسی قرار گرفته و سپس به بازدارندگی به عنوان پایه تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شد. در انتها نیز «بازدارندگی تدافعی موشکی» مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت.

بر این اساس با بررسی دو مفهوم بسیار مهم در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران یعنی «امنیت و امنیت ملی» و «بازدارندگی و بازدارندگی تدافعی (دفاعی)»، این نتیجه‌گیری حاصل می‌گردد که جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط محیطی و امنیتی و تهدیدات پیش روی خود، ناگزیر از انتخاب «بازدارندگی موشکی» به مثابه رابرد اصلی در حفظ و تأمین امنیت ملی خود است که به چالش کشیدن این بازدارندگی، اثرات مخربی بر امنیت ملی ایران می‌گذارد.

فهرست منابع:

- افتخاریان، حسین (۱۳۷۰). دانشنامه جنگ و صلح، همدان: نشر مسلم.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۸۷). صحیفه نور، جلد ۱۴. تهران: نشر آثار امام خمینی.
- بوفر، آندره (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر استراتژی، ترجمه مسعود کشاورزی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- بیکی، مهدی (۱۳۸۹). «تهدیدات اسرائیل در خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۳.
- توفیقی، جعفر؛ نورشاهی، نسرین و فراست خواه، مقصود (۱۳۹۱). «واکاوای رابطه دو نظام دفاعی و آموزش عالی از دیدگاه خبرگان دو حوزه»، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۲۶.
- تهامی، سیدمجتبی (۱۳۹۰). امنیت ملی، دکترین سیاست‌های دفاعی و امنیتی، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۹۱). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴). مفهوم امنیت جدید جمهوری اسلامی، تهران: سمت.
- سیف زاده، حسین (۱۳۷۹). نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سفیر.
- عبدالله خانی، علی (۱۳۹۴). نظریه‌های امنیت، تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.
- شاهی، محمد و جوان، پویا (۱۳۸۸). «بررسی اقدامات و مذاکرات بین‌المللی درباره منع گسترش سلاح‌ها و آزمایش‌های هسته‌ای با تاکید بر دو معاهده CTBT, NPT»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۱۲، بهار.
- شعرباف، جواد (۱۳۸۰). «بازدارندگی اسرائیل و استراتژی اسرائیل در قبال حزب الله»، فصلنامه مطالعات فلسطین، شماره سوم.
- فریدمن، لارنس (۱۳۹۰). بازدارندگی، ترجمه عسگر قهرمان پوربناب و روح الله طالبی تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰). اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.

- طارمی، کامران (۱۳۸۲). «تحلیلی بر نقش موشک‌های بالستیک در دکترین دفاعی ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۵۹.
- عباسی، محمد (۱۳۹۱) «اقدامات مقابله‌ای جمهوری اسلامی ایران در قبال تهدیدات امنیتی ایالات متحده آمریکا (۲۰۰۱-۲۰۱۰)»، پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- عسگرخانی، ابومحمد و حق شناس، محمدرضا (۱۳۹۰). «تهدیدهای منطقه‌ای و راهبرد تسلیحاتی امنیتی ج ا ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۳.
- قوام مکللی، حمیدرضا (۱۳۹۰). «نقش موشک‌ها در راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه رهنامه سیاستگذاری، شماره ۳.
- کریمی پور، یدالله (۱۳۸۰). «مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴.
- لطفیان، سعیده (۱۳۷۶). «نظریه‌های تداول تسلیحات اتمی، بازدارندگی، باجگیری هسته‌ای و جنگ اتمی»، مجله سیاست، دوره ۳۶، بهار.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴). نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- نجات، سید علی؛ عباسی، ابراهیم و طالبی، صغری (۱۳۹۵). «الگوی امنیتی بازدارندگی در تنگه هرمز و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره ۵، شماره ۱۷.
- نصیری، موسی (۱۳۹۳). «الزامات بازدارندگی دفاعی جمهوری اسلامی ایران از رهیافت توان موشکی»، دسترسی در: <http://www.farsnews.com/newstext.php>
- وثوقی، سعید؛ مرادی فر، سعیده و صفری، عسگر (۱۳۹۳). «تحلیل موضوع‌های امنیتی قفقاز جنوبی بر اساس نظریه‌ی مکتب کپنهاگ»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره هفتم، شماره ۱.
- هالستی، کی. جی (۱۳۹۴). مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران: وزارت امور خارجه، چاپ چهارم.
- Holsti, Olre (2009). "Crisis Escalation and War", McGill-Queens University Press.
- Abbasi, R. (2015). A Strategic Shift in Indo-Pak Nuclear Strategy: Implications for Regional Stability. IPRI Journal, 15(2), 19-22.
- Heinrichs, R. L. (2016). Space and the Right to Self Defense. Hudson Institute. Missile deterrence as a national security strategy of the Islamic Republic of Iran.